



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۷ مهر ۱۳۹۸

موضوع جزئی: مسئله ۱۷- جواز نظر زن و مرد به بدن محارم- ادله (دلیل سوم و بررسی آن)

مصادف با: ۲۹ محرم ۱۴۴۱

سال دوم

جلسه: ۶

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

در مسأله هفدهم بحث درباره نظر به بدن محارم است؛ عورت که استثنا شده و موضوع هم نظر بدون تلذذ و ریبه است. عرض شد چهار قول در این مسأله وجود دارد؛ قول اول که مشهور است، جواز النظر الی جمیع بدن المحارم است. بر این قول، ادله‌ای اقامه شده است. دلیل اول و دوم را ذکر کردیم و معلوم شد این دو دلیل نمی‌تواند نظر مشهور را ثابت کند.

#### دلیل سوم: کتاب

دلیل سوم از کتاب است، یعنی آیه ۳۱ سوره نور: «... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ...». این آیه نسبتاً طویل است و هم قبل از این و هم بعدش جملات و عباراتی بیان شده است. تقریب استدلال به این آیه به دو وجه است:

وجه اول: منظور از ابداء الزینة، ابداء مواضع الزینة است؛ یعنی آشکار کردن مواضع زینت؛ آن محل‌هایی از بدن که زینت بر آنها قرار داده می‌شود. در آیه نهی کرده از آشکار کردن مواضع زینت برای اجنبی مگر چند گروه: شوهران، پدران، پدران شوهران و طوایفی که در آیه به آنها اشاره شده است. طبق این وجه، مواضع الزینة نباید به دیگران نشان داده شود، نباید برای دیگران آشکار شود.

لکن این وجه یک مشکلی دارد که در واقع زینت را به معنای مواضع الزینة گرفته است؛ مواضع الزینة در واقع می‌شود یک قسمت‌هایی از بدن. لذا ما یا باید اینجا قائل به مجاز شویم که زینت گفته شده ولی موضع زینت اراده شده است؛ یعنی زینت مجازاً در مورد موضع زینت استعمال شده است. حال گفته شده اما محل اراده شده، (یعنی از قبیل علاقات مجاز باشد که در جای خودش بیان شده است). یا اینکه قائل به حذف شویم و بگوییم منظور از زینت موضع الزینة است؛ یک مضافی اینجا در تقدیر بوده ولی حذف شده است و یا بگوییم کنایه است یعنی زینت کنایه از موضع زینت است. این مشکل دارد، چون هم مجاز و هم حذف و هم کنایه خلاف اصل است؛ ما تا می‌توانیم کلام هر متکلمی را به ویژه کلام خداوند تبارک و تعالی را باید به نحوی معنا کنیم که مرتکب خلاف اصل نشویم؛ مجاز، حذف، کنایه همه خلاف اصل است. لذا این احتمال که منظور از ابداء الزینة، ابداء موضع الزینة باشد مبتلا به چنین مشکلی است.

اما صرف نظر از این اشکال، آیا اساساً حتی اگر ما این خلاف اصل را مرتکب شویم و بگوییم منظور از ابداء الزینة، ابداء موضع الزینة است، آیا باز می‌تواند دلالت کند بر جواز نظر به جمیع البدن یا نه؛ این را بعد از ذکر وجه دوم عرض خواهیم کرد. پس وجه اول این است که وقتی آیه نهی می‌کند از ابداء الزینة، یعنی دارد نهی می‌کند از ابداء موضع الزینة و موضع زینت هم معلوم است، سر و گردن، دست‌ها و پاها هستند؛ چون به ساق پا هم خلخال می‌زنند. البته برخی ما بین السرة و

الركبة را در اینجا عورت می‌داند و می‌گویند استثنا شده است؛<sup>۱</sup> یعنی از ناف تا زانو، به غیر از این نظر به همه جای بدن زن محرم به جز عورت جایز است چون ابداء موضع الزینة برای این گروه‌ها استثنا شده است. ولی خود اینکه ما بگوییم منظور از زینت، موضع زینت است این خلاف اصل است.

وجه دوم: اینکه مراد از «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»، زینت به معنای حقیقی است؛ یعنی خود زینت، نه موضع زینت؛ تا مرتکب مجاز یا حذف شویم. یعنی نباید آشکار کنند و اظهار کنند زینت‌هایشان را برای دیگران، مگر شوهران و پدران و سایر طوایفی که برای آنها مجاز دانسته شده است. لکن زینت بر دو دسته است، تارة زینت ساخته شده بشری است مثل همین انگشتر و سرمه‌ای که به چشم می‌مالند و النگویی که به دست می‌کنند؛ اینها زینت است، منتهی زینت‌های مصنوع بشری است. قسم دوم، زینت طبیعی است. زینت طبیعی یعنی زینت خلقتی که به خلقت برمی‌گردد و از آنجا که زن خلقتش و اساسا بدنش و جسمش طبق برخی از روایات این چنین است و زینت محسوب می‌شود، لذا آیه دارد نهی می‌کند از آشکار کردن مطلق زینت، چه زینت‌های مصنوع مثل النگو و سرمه و انگشتر و خلخال، و چه زینت طبیعی که اصلا خود جسد و بدن زن زینت محسوب می‌شود. هیچ کدام را نباید برای غیر آشکار کند؛ نهی متعلق شده به آشکار کردن مطلق زینت. اینجا دیگر بحث موضع زینت نیست؛ اینجا نهی شده از آشکار کردن زینت‌های ساخته شده بدست بشر، یعنی انگشتر و النگو را هم نباید ببینند چون ملازم با آشکار شدن خود بدن است و همچنین از مجموع این بدن و جسد که این خودش زینت محسوب می‌شود نهی شده، منتهی زینت خلقتی و طبیعی است.

آن وقت اگر ابداء و آشکار کردن برای شوهران و پدران و مجموعه محارم جایز باشد، این ملازم با جواز النظر است. چون آیه بحث نظر را مطرح نکرده؛ از استثناء آیه این چنین فهمیده می‌شود که یجوز ابداء الزینة مطلقا برای محارم؛ نهی کرده از آشکار کردن زینت برای غیر محارم و جواز آشکار کردن زینت برای محارم. اما وقتی که می‌گوید تو می‌توانی زینت را به معنای مطلق به شوهر و پدر و برادرت آشکار کنی، این ملازم است با اینکه پس آنها نیز می‌توانند نگاه کنند. از راه ملازمه و دلالت التزامی این آیه، جواز النظر الی جمیع بدن المرأة من المحارم استفاده می‌شود؛ البته عورت استثنا شده و فرق می‌کند. این تقریب استدلال به این آیه است.

#### بررسی دلیل سوم

حالا باید ببینیم این استدلال تمام است یا نه. عرض شد که طبق وجه اول زینت تفسیر شده به موضع الزینة؛ طبق وجه دوم زینت به معنای خودش است، منتهی بر دو قسم شده: زینت مصنوعی و زینت طبیعی. آن وقت بدن به عنوان زینت طبیعی و خلقتی معرفی شده است. این تقریب استدلال به این آیه بود که ما عرض کردیم وجه اول محل اشکال است. علی‌ای حال در هر دو این دلالت التزامی وجود دارد که وقتی ابداء موضع الزینة جایز باشد، این ملازم با جواز النظر است. وقتی ابداء زینت طبیعی جایز باشد، این ملازم با جواز النظر است. فرق این دو تقریب فقط در کلمه زینت است که منظور از زینت در آیه چیست و الا روش استدلال در هر دو بیان تقریباً یکسان است.

۱. المبانی فی شرح العروة، کتاب النکاح، ص ۵۲.

به نظر می‌رسد که استدلال به این آیه تمام نیست؛ همانطور که ما ضرورت را رد کردیم، اجماع را رد کردیم، این آیه هم نمی‌تواند اثبات کند جواز نظر به همه بدن زن محرم یا مرد محرم را. آیه ۳۱ سوره نور یک صدری دارد: «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»، آیه در ابتدا می‌فرماید اینها حق ندارند زینت‌هایشان را برای دیگران آشکار کنند، مگر آن مقداری که از این زینت‌ها آشکار است. پس این زینتی که در صدر آیه از آشکار کردنش نهی کرده، کدام قسم است؟ ما ظاهر منها. از این استفاده می‌شود که ما دو نوع زینت داریم؛ یک زینت ظاهری و یک زینت باطنی داریم. زینت ظاهری مثل انگشتر، النگو، اینها زینت‌های ظاهری است. زینت باطنی یعنی آن زینت‌هایی که به حسب عادی دیده نمی‌شود. گردنبند با سینه‌بند، این زینت ظاهری نیست. در این قسمت از آیه جواز ابداء زینت متعلق شده به زینت ظاهری و از ادامه این آیه که امر به ضرب الخمر علی الجیوب کرده (سر و گردن)، معلوم می‌شود مسأله بدن و سر و گردن، این باید پوشیده بماند. آشکار کردن زینت ظاهری اشکال ندارد اما زینت باطنی جایز نیست؛ به علاوه باید این سر و گردن را بیپوشاند. ظاهر این جمله آن است که منظور از این زینت، همان زینت‌های مصنوعی است چون معنا ندارد که «ما ظهر منها» به بدن بخورد؛ اگر بخواهد به بدن خورد، ظاهر و باطنش کجاست؟

دو خط پایین‌تر وقتی می‌گوید «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»، قاعدتاً اینجا هم که سخن از ابداء الزینة دارد، این در ادامه همان جمله قبلی است و از چهارچوب آن جمله قبلی خارج نمی‌شود. یعنی همان زینتی که ما گفتیم «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، همان لایبیدین الا لبعولتهن. یعنی کآن حتی زینت باطنی را می‌تواند برای شوهر و پدر و برادر و... آشکار کند. از مجموع این آیه چه استفاده‌ای می‌شود؟ جواز ابداء الزینة الظاهرة للغير، عدم جواز ابداء الزینة الباطنة للغير؛ ولی ابداء الزینة الظاهرة کانت أم باطنة، يجوز لهذا الطوائف؛ برای این طوایف فرق نمی‌کند که النگو، انگشتر، سینه‌بند، خلخال، همه اینها آشکار کردنش جایز است و ملازم با جواز نظر هست.

از این چه فهمیده می‌شود؟ حداقل این است که در این آیه از زینت، بدن المرأة و جسد المرأة اراده نشده است. یعنی زینت طبیعی و خلقتی از این آیه استفاده نمی‌شود؛ اصلاً آیه نظر به بدن مرأه ندارد، آیه ناظر به جسد المرأة نیست تا ما بگوییم جسد المرأة زینة و آیه دارد می‌گوید مثلاً زینت را برای غیر آشکار نکنید.

پس مفاد این آیه از این زاویه این است که، ای زنان، زینت‌های مصنوعی یعنی آنچه به دست بشر ساخته شده مثل انگشتر و گردنبند و یا حتی آنچه به شکم می‌بندند، این زینت‌ها را فقط آن مقداری که ظاهر است، مثل انگشتری که به دست است، ظاهرش با توجه به آن مقداری که اجازه داده شده از بدن آشکار بماند، مثل وجه و کفین و یا؛ آن مقدار از زینت‌های ظاهری که آشکار است، ابداء این زینت‌ها اشکالی ندارد اما زینت‌های مصنوعی و ساخته شده بشری اگر باطنی باشد، آنها را نباید دیگران ببینند. اما شوهران، برادران، پدران، پسر برادر، پسر خواهر، اینها می‌توانند زینت‌های باطنی شما را هم ببینند؛ زینت‌های باطنی یعنی گردنبند، خلخال، بازوبند، النگو. این نشان می‌دهد که اصلاً آیه نظر به بدن و جسد المرأة ندارد. اگر جواز ابداء الزینة للمحارم از این آیه فهمیده شد و منظور از زینت هم همین زینت‌های مصنوعی بشری باشد، آیا می‌توانیم بگوییم آیه دلالت دارد بر جواز النظر الی جمیع بدن المحرم؟ کجا از آیه خود ثدی استفاده می‌شود؟ کجا از این آیه استفاده

نظر به بطن و شکم می‌شود؟ کجا از این آیه جواز النظر الی الفخذ (ران) ولو محرم باشد استفاده می‌شود؟ این آیه اصلاً چنین دلالتی ندارد.

پس آنچه از آیه می‌توانیم استفاده کنیم، نهایتش جواز کشف ما تقع الزینة علیها است؛ آنجایی که زینت ولو باطنی باشد مثل گردنبند معلوم است که کجا قرار می‌گیرد. وقتی این زینت باطنی را بشود به محرم نشانند، بدن هم آن مقدارش به طور طبیعی دیدنش برای محرم حرام نیست و جایز است.

سؤال:

استاد: کجا از این فهمیده می‌شود که نگاه کردن به سینه اشکال ندارد؟ ..... آیه می‌گوید «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ». گفتیم اینجا منظور این است که زینت‌های باطنی را [ظاهری برای غیر هم اشکالی ندارد] به دیگران آشکار نکنید. ما اینجا دو تا ادعا داریم: اولاً در این آیه زینت به معنای زینت خلقتی (بدن المرأة) نیست؛ قرائنی هم وجود دارد که اشاره شد. دوم اینکه دارد می‌گوید زینت؛ زینت چه ظاهری و چه باطنی بالاخره زینت را که از سر تا پای بدن آویزان نمی‌کنند. می‌گویند آن جاهایی که به طور متعارف این زینت قرار می‌گیرد، دیدنش برای محارم جایز است. از کجای آیه جواز نگاه به ران استفاده می‌شود؟ یا مثلاً به خودِ ثدی و پستان‌ها چطور جواز نظر استفاده می‌شود؟ آیه فقط می‌گوید آن جاهایی که زینت می‌گذارید، زینت‌های باطنی را می‌توانید به محارم نشان بدهید و آنها هم می‌توانند نگاه کنند، اما خود سینه، ران‌ها، اینها از کجای آیه استفاده می‌شود؟ آیه دلالت بر جواز النظر به جمیع البدن ندارد.

ما فعلاً ادله را یک به یک بررسی می‌کنیم؛ ممکن است در روایات دلیلی پیدا کنیم که از آن جواز استفاده شود، چون روایات متعددی در اینجا داریم. فعلاً نه ضرورت که صاحب جواهر ادعا کرده، نه اجماع، هیچ کدام دلیل بر جواز النظر الی جمیع بدن المرأة نیست. آیه را هم داریم بررسی می‌کنیم. آیا واقعاً از این آیه جواز النظر الی جمیع البدن استفاده می‌شود؟ خیلی تکلف می‌خواهد که شما در مورد این آیه بگویید منظور از زینت یعنی جسد المرأة؛ آن وقت واقعاً در این آیه می‌شود اینجور گفت که لایبدين زینتهن الا ما ظهر منها، آن مقداری از بدن که ظاهر است.

سؤال:

استاد: خود این بحث است؛ شما می‌گویید اصلاً جنس ماده، در همه حیوانات هم اینطور است، جنس ماده اصلاً این جسدش زینت محسوب می‌شود یا اینکه بگویید درست است ممکن است زینت محسوب شود ولی بحث این است که این آیه نظر به آن دارد یا ندارد. مگر زینت بودن چشم کم است؟ لذا نمی‌شود تفکیک کرد و بگوییم بعضی از مواضع بدن زن زینت است و بعضی زینت نیست.

سؤال:

استاد: وقتی می‌گوییم زینت مصنوع، یعنی آنچه که به بدن ضمیمه می‌شود و نه تغییرات خلقتی. زینت مصنوع مثل انگشتر، سرمه، همین لوازم آرایشی که استفاده می‌کنند، ممکن است اینها هم زینت مصنوع باشد. زینت خلقتی که می‌گوییم یعنی آنچه که به طبیعت این شخص مربوط است. حالا این طبیعت یا همان طبیعت اولیه است یا طبیعت دستکاری شده است که باز هم به طبیعت مربوط می‌شود و مصنوع نیست. زینت یعنی لوازم و وسایلی که به خودشان آویزان می‌کنند. .... عمل

کردن بینی، گونه گذاشتن، اینها برمی‌گردد به همان طبیعت. مصنوع که می‌گوییم یعنی یک چیز اضافه‌ای که روی بدن قرار می‌گیرد و قابل جابه‌جایی است.

سؤال:

استاد: صدر و ذیل آیه را مرور کنید؛ بالاخره مشهور معتقدند که جواز النظر الی جمیع البدن المحرم. آن طرف هم فرق نمی‌کند، یعنی جواز نظر المرأة الی بدن المحرم از رجال.

واقع مطلب این است که از این آیه جواز النظر الی جمیع الجسد استفاده نمی‌شود. «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»، زینت‌هایتان را برای دیگران آشکار نکنید. معنای زینت چیست؟ حتی اگر ما منظور را مواضع الزینة هم بگیریم چه زینت را به همین معنای خودش بگیریم و چه تمام بدن المرأة را زینت بدانیم، نتیجه هر دو وجه یکی است؛ یعنی آقای خوبی که می‌گوید منظور از زینت مواضع الزینة است، می‌گوییم خیلی خب، وقتی آشکار کردن مواضع الزینة جایز باشد، پس نظر به آن جایز است. در وجه دوم نیز ادعا همین است؛ منتهی مشکل این است که حتی اگر ما زینت را به معنای مواضع زینت بدانیم، نهایتش این است که یجوز النظر الی مواضع الزینة. اتفاقاً استدلال طبق وجه اول مشکل‌تر است تا استدلال طبق وجه دوم. چون طبق وجه دوم تمام بدن را می‌گوید زینت محسوب می‌شود، چون جسد المرأة خودش زینت است. طبق وجه اول مواضع الزینة را می‌گوید، قبول دارد که زینت همین زینت مصنوع است ولی مواضع الزینة یک مواضع محدودی‌اند. استدلال طبق بیان آقای خوبی مشکل‌تر است. علی‌ای حال چه بر وجه اول و چه بر وجه دوم، استدلال به آیه تمام نیست. باید روایات را هم بررسی کنیم و ببینیم آیا دلالت بر جواز دارند یا نه.

«والحمد لله رب العالمین»